

# دوست یابی در

## پر تو تعالیم اسلام

شما هم اگر این دستورها را بکار بندید مطمئناً  
دوستان زیادی پیدا خواهید کرد

« با مردم آنچنان بیامیزید که اگر جهان را بدرود گفتید ،  
پس از مرگ برای شما متأسف گردند و اشک بریزند و چنانچه به  
زندگی ادامه دادید ، با شور و اشتیاق باشما ملاقات نمایند» (۱)

به این نکته واقف بودم ، زیرا سالها است در  
جستجویش میباشم از آنجا که هیچ نویسنده درصدد  
نوشتن چنین کتابی بر نیامده است ؛ خودم تصمیم  
گرفتم که این کتاب (آئین دوست یابی ) را  
بدلیل احتیاج مردم بنگارم ۱۴۰۰ (۳)

با خواندن این سطور ، اندیشه ای برای خواننده  
ایجاد می شود که آیا «کارنگی» دستور های وسیع  
اسلامی را در این زمینه ندیده و نشنیده ، یا نادیده  
انگاشته است ؟

در کتاب « آئین دوست یابی » نوشته روانشناس  
معروف آمریکائی «دیل کارنگی» (۲) این جمله ها  
بچشم می خورد :

«... میدانستم که چنین کتابی وجود ندارد ،  
وقتی از یک نفر دانشمند معروف که در رشته آموزش  
و پرورش تبحری به سزا داشت جو یابی چنین  
کتابی شدند او جواب داد می دانم که این دانش-  
آموزان احتیاج بچه کتابی دارند ولی متأسفانه  
این کتاب هرگز نوشته نشده است - آری من خود

(۱) نهج البلاغه ج ۲ ص ۱۴۵

(۲) Dale Carnegie

(۳) آئین دوست یابی ص ۱۲

نیاز کامل دارید که بدانید با هر طبقه‌ای و هر کسی چگونه بایستی معاشرت و رفتار نمود؟ با دیگران چگونه باید سلوک کرد؟ روانشناسان و جامعه‌شناسان، با رسیدگیها و تجربیات خود این موضوع را ثابت کرده اند که يك مهندس، در کار خود اگر صد در صد موفق شود، «پانزده در صد» بسته به معلومات شخصی او و هشتاد و پنج درصد دیگر؛ بستگی کامل بطرز معاشرت و سلوک او با دیگران دارد.

این آمار اگر فرضاً اغراض آمیز هم باشد باز نشانه ای از اهمیت فوق العاده طرز برخورد با مردم در پیروزیهای اجتماعی است. خود شما هم محققاً باین نکته تا کنون توجه داشته اید که هر کس اخلاق اجتماعیش بهتر و طرز معاشرت و برخورد او با مردم صحیحتر باشد، در کارهای خود بهتر می‌تواند پیروز شود و ترقی نماید.

رموز و نکات طرز خوش رفتاری و حسن سلوک، به اندازه‌ای در موفقیت و پیروزی انسان در زندگی مؤثر است که اگر مردم می‌توانستند آنرا خریداری نمایند، هر کسی حاضر بود از تمام دارایی خود در این راه بگذرد.

«هنگامیکه «جان رو کفلر» (۱) میلیارد در آمریکائی؛ در اوج ترقی و کامیابی مادی بود، یکروز به یکی از دوستانش می‌گفت: اگر حسن معاشرت و سلوک چیزی بود که می‌شد آنرا خرید و فروش کرد، من حاضر بودم مطابق بهای چندین هزار تن قند و کاکائو بدم و مقداری از آنرا بخرم؛ زیرا من

اگر گفته شود: کسی مثل او، باب مشروح: «آداب معاشرت در اسلام» را که تحت عنوان: «آداب العشرة» در چندین قرن پیش به جهانیان ابلاغ گشته؛ ندیده است که در این صورت حکایت از محدودیت اطلاعات اومی نماید، و اگر قسمتی از اندوخته های علمی و تجربی خود را از قوانین اسلام، الهام گرفته است، باز از کسیکه درس اخلاق به مردم میدهد، بسیار ناپسند است که قدردانی نکند.

با توجه به ادعای نویسنده فوق و عدم توجهی که باین بخش عظیم از تعالیم اسلام شده است، به نظر می‌رسد که لازم است گوشه‌ای از تعلیمات پر-مایه و گسترده اسلام، در موضوع معاشرت و آئین دوست یابی، نشان داده شود تا با مقایسه به نوشته های دیگران ارزش این تعلیمات آسمانی، روشن گردد. بدینجهت در شماره قبل، مقاله ای تحت عنوان: «آنجا که هزار گم است و یکی بسیار» درباره ارزش و اهمیت «دوست» از نظر اسلام، نگاشته شد و بیاری خدای جهان؛ از این شماره سلسله مقالاتی؛ در این زمینه، بطور بسیار ساده و روان و بسبکی که مورد استفاده همگان قرار گیرد، بنظر خوانندگان گرامی می‌رسد.

\* \* \*

### همه باید بدانند

شما از هر طبقه که باشید، خواه تاجر؛ معمار، مهندس، و یا استاد، معلم؛ دانش آموز، پیشخدمت و بالاخره هر کس و هر کجا که باشید در زندگی

Rockefeller (۱)

مکتب اسلام

بهبتر و از همه به رموز مردم داری آگاه تر می باشد با مردم آمیزش و الفت دارند و در نتیجه، دیگران هم آنانرا دوست می دارند و با آنها انس می گیرند. (۴)

### نخست، خود سازی!

**بیشتر افرادی که در زندگی با شکست روبرو میشوند: در اجتماع جایی ندارند؛ و یا خود را بدبخت و به اصطلاح کم شانسی میدانند؛ شاید؛ تنها عیب اینها؛ آگاه نبودن به رموز اخلاقی و یا عموماً نکردن به آنهاست.**

سعادت و نیکبختی، و یا فلاکت و بدبختی هر کس در اجتماع، نتیجه روش و رفتار و اعمال، و طرز بر خورد های او با مردم است. این خود ما هستیم که مردم را از خود متنفر و منزجر می کنیم و باز ما هستیم که آنانرا مجذوب خویش میسازیم.

آئین جاودانه اسلام، بدبختی و تیره روزی مردم را، در تمام ادوار، مستند به اخلاق فاسد و اعمال ناپسند خود مردم دانسته و همچنین تغییر وضع، و اصلاح جامعه را نیز مشروط به اصلاح افکار و اعمال همان مردم میدانند، و این موضوع را قرآن مجید در چند مورد یاد آور شده است؛ آن جا که می فرماید: «برائراعمال ناشایست مردم، در خشکی و دریا، فساد و تباهی آشکار گردید؛ تا نتایج شوم پاره ای از کار های ناپسند خود را بچشند، بلکه

میدانم که چقدر حسن معاشرت و اداره کردن دیگران در زندگی دخالت دارد» (۲) در دانشگاه شیکاگو تحقیقات دامنه داری را شروع کردند که دریابند مردم، راستی به چه چیز احتیاج کامل دارند و علاقمند بآن هستند؟ تحقیقات، دو سال طول کشید تا آنکه در شهر «مریدن» بعد از صرف ۲۵ هزار دلار پایان رسید؛ ضمن تحقیقات، ۱۵۶ سؤال طرح کرده بودند که از آن جمله این سؤالها بود: آرزوی چه دارید؟؛ مشکلات زندگی شما از چه قبیل است؛ پرسشهای دیگر مشابه اینها بود، در پاسخ؛ تقریباً همه نوشتند: اول سلامت؛ درباره مشکلات خود نوشتند که: اگر میدانستند چگونه با مردم معاشرت و رفتار نمایند، تقریباً هیچگونه مشکلی در زندگی نمیداشتند. وعده زیادی در جواب اینکه: بچه موضوعاتی بیشتر علاقمند هستید؟؛ نوشتند: در باره طرز صحبت کردن ما بلیم درس بخوانیم و سعی کنیم تا درست حرف بزنیم و عقائد خود را با دلائل کافی بدیگران حالی کنیم (۳) اکنون به یک نمونه از تعلیمات اسلام در این زمینه توجه کنید!

رسول اکرم (ص) فرمود: میخواهید کسی را که محبوبترین شما است در پیش من و نزدیکترین افراد است در روز قیامت بمن، به شما معرفی کنم؟ آری آنان کسانی هستند که اخلاقشان از همه

(۲) (۳) آئین دوست یابی ص ۱۱-۱۲

(۴) کافی ج ۲ ص ۱۰۲

آسمان بدمیگفت او خود بود که باعث این گرفتاریها شده بود ، باعقده های درونی که داشت حتی الفاظ زیبا هم نمیتوانست بکار ببرد و برعکس غالباً در بکار بردن کلمات نیش دار تخصص داشت او بهمین دلیل در زندگی عقب افتاده بود !

\* \* \*

### درسی که امام (ع) داد

روزی محمد بن مسلم زهری در حالی که چهره ای غمگین و افسرده داشت به حضور چهارمین وصی پیغمبر (ص) علی بن الحسین (ع) شرفیاب شد امام (ع) فرمود :

محمد ! برای چه منموم و گرفته بنظر میرسی ؟  
 - غمها ورنج و مشقتها همچون طوفانی سهمگین یکی پس از دیگری بر من روی آورده و اطرافم را احاطه کرده است ، عده ای به نعمتهائی که دارم چشم طمع دوخته اند و گروهی بر من حسادت می-ورزند ا به افرادی که نیکی کرده ام قدر دانی نمیکنند و در مقابل ، بمن اهانت مینمایند و از کسانی که چشم امید و انتظاری داشتم ، با تجربه و آزمایش ، بمن ثابت شده که هیچ توجه و اعتنائی بمن ندارند!  
 - محمد يك دستور بتو میدهم خوب توجه کن  
**« احفظ عليك لسانك تملك به اخوانك »**  
 در بابت رانگهدار تاملک دیگران شوی ،...  
 - به اندازه توانائی خود بانیکوترین سخنان با آنان تماس میگیرم .

- زنهار ! زنهار ! از عجب و خود خواهی ، !

منتبه شوند و از راه غلطی که رفته اند باز گردند» (۲).  
 خداوند اوضاع و احوال هیچ ملتی را دیگر-گون نمیسازد ، مگر اینکه آنان ، خود رفتار و اخلاق خویش را تغییر دهند» . (۳)

شخصی بود ، با اینکه تحصیل کرده و با معلومات بود ، در بسیاری از پیش آمدها با شکست روبرو میشد و غالباً میگفت : این هم از کم شانسى من است ! او اخلاق عجیبی داشت ! یکروز بدوست خود بر خورد میکرد ، با کمال صفا و صمیمیت دست او را میفشرد و با اصطلاح با او گرم میگرفت ، بطوری که آن دوست چنین تصور میکرد که از این بیعد هر وقت به او برسد باید در مقابل وی تواضع نماید ، اما برخلاف انتظار . در ملاقات بعدی ، حتی حال نداشت سلام دوست خود را پاسخ گوید و در نتیجه ، کسی با او تماس نمیگرفت ! موقعیکه یکی از دوستان این مطلب را به او تذکر داد ، در جواب وی گفت : آری من حالت شاعرانه دارم ! يك روز سر حال هستم و گرم میگیرم ، یکروز هم حال حرف زدن ندارم ، اصلاً نمیخواهم با هیچکس صحبت کنم ! او بعد از مدتی ، بگمان اینکه شغلش شغل خوبی نیست و اگر تغییر شغل دهد ، با بدبختیها مبارزه نموده پیشرفت خواهد نمود ، این کار را کرد و شغل دیگری پیش گرفت ، اما دیری نپایید که باشکست-های عجیبی روبرو گشت ، وهم چنان بقول خودش باشانس ، سر پنجه نرم میکرد !! راستی او بی جهت از شانس و بخت شکایت میکرد ، بیخود به زمین و

(۲) سوره روم آیه ۴۱

(۳) سوره رعد آیه ۱۱

و گناهانم بیش از او است. و چنانچه همسال تو بود، بگو: من به اشتباه و لغزشهای خود یقین دارم اما از لغزشهای او بی خبرم پس باز بر او برتری و فضیلتی ندارم.!

اگر مشاهده کردی که مسلمانان به تو احترام می نهند و تعظیم میکنند؛ بگو: آنان از خودی خود، نیکیهایی مرا در نظر می آورند؛ و اگر اهانتی از آنان دیدی و متوجه شدی که از تو کنار میکشند، بگو: لای بدلفزشی از من سرزده است.!

محمد! اگر این دستورهائی را که گفتم انجام دهی؛ خدای جهان زندگی را برای تو سهل و آسان می نماید و دوستان فراوان و دشمنان کم میگردد و از نیکیهایی مردم مسرور و شادمان میگردد و از بی اعتنائی دیگران متأسف و نگران نمیشوی.

این را هم بدان! که گرامی ترین مردم در مقابل افراد اجتماع کسی است که نیکیهایی او ب مردم برسد و خود را از آنان بی نیاز جلوه دهد و چشمداشتی از کسی نداشته باشد.

و بعد از او، محبوبترین و گرامی ترین مردم در پیش مردم کسی است که در حال نیازمندی و احتیاج هم از کسی توقع نداشته باشد، زیرا در واقع، مردم دنیا بدنبال مال و منال میدوند، هر کس در این کار مانع و مزاحم آنان نباشد، مورد احترام آنها قرار می گیرد، اکنون اگر کسی نه تنها مانع و مزاحم آنان نبود بلکه در بعضی از امور به آنان یاری و کمک نیز نمود، عزیزترین و گرامی ترین افراد بشمار میرود. (۱)

مبادا به این صفت زشت خود را بیالائی، هرگز سخنی را که مردم نمیتوانند آنرا باور کنند مگو، و لواطینکه برای گفتن آن عذری نیز داشته باشی، اینطور نیست که هر چه را که تو بد می شماری عذرتو برای گفتن هر سخنی باشد، سپس افزود: محمد! هر کس؛ نیرومندترین و کاملترین قوای او، عقل او نباشد، تباهی و هلاکت، ساده ترین و آسان ترین چیزی است که دامنگیر او میشود. و سپس ادامه داد:

مردم را بمنزله افراد خانه و بستگان نزدیک خود قرارده، که در اینصورت آن کسیکه از تو بزرگتر است بمنزله پدر، و آنکه از تو کوچکتر است بجای فرزند، و آن کسی که همسال تو است بمنزله برادر تو میباشند، فکر کن بر کدام يك از اینان، ظلم و ستم روا میداری؟ کدام يك از آنان را حاضری رهاسازی؟ و خلاصه دوست داری که به یکی از آنان اهانت شود؟ و یا آبرویشان در خطر باشد؟!

هرگاه شیطان وسوسه کرد و خواست تو را از راه عقلانی منحرف سازد؛ بتو تلقین کرد که فی المثل تو بريك نفر از مسلمانان جهان برتری داری، پس فکر کن و بیاندیش اگر آن مسلمان از تو بزرگتر است؛ بگو: او بر من برتری دارد زیرا او در ایمان و عمل صالح و کردار نیک بر من سبقت جسته است! و اگر از تو کوچکتر بود، باز بگو او از من بهتر است، زیرا من در لغزشها بر او سبقت گرفته ام